

پیش‌خواب

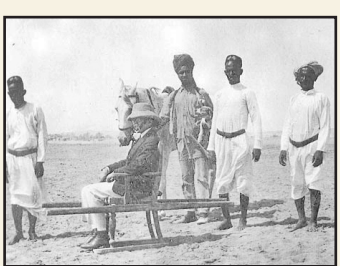
«پلیس جنوب» در آیینه یک پژوهش نوانتشار نمادی از سرکوبگری و کشتار انگلیسی!

■ محمدرضا کانینی



اثری که هم‌اینگ به حضورتان معرفی می‌شود، فصلی مهم از دخالت‌های ناروای استعمار انگلستان را می‌کود که همان تشکیلات «پلیس جنوب» است. این

پژوهش توسط مرحوم جمشید صداقت کیش به رشته‌تحریر درآمده و مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، آن را منتشر ساخته است. ناشر در دیپاچه خویش بر این اثر، در باب محتوا و چند و چون تهیه این تحقیق چنین آورده است: «معروف چنان است که مأموران دولت استعمارگر انگلستان همه جا با زیرکی و حيله‌گری به اهداف و خواسته‌های سیاسی و اقتصادی دولت متبوع خود خدمت کرده‌اند و نیز نگ در کارها و گفتارها و نوشتارهایشان جایگاه نخست را داشته است که البته سخن درستی است. اما سکه سیاست انگلستان در قرن نوزدهم در مشرق زمین روی دیگری هم داشته است که نقش‌نمایی از خونریزی و کشتار و ظلم و غارتگری انگلوساکسون‌ها بر آن است. این را خود انگلیسی‌ها در خاطر‌نویسی‌ها و گزارش‌هایشان ترسیم کرده‌اند، اگرچه به شیوه دیرین خویش همواره کوشیده‌اند که طرف مقابل را وحشی و نابکار و دزد و غارتگر نشان دهند و از نیروهای غاصب خود قهرمانی نجات بخش بسازند. یکی از نمونه‌های کشتار ، خونریزی و سرکوبگری انگلیسی‌ها اقدامات انگلستان در حصول و حوش جنگ اول جهانی در جنوب ایران است که در جریان آن روستاهایی را با خاک یکسان نمودند و اهالی را به قتل رسانده یا غارت کردند و آواره ساختند و به همدستی برخی رجال خودفروخته آن روزگار ایران، دست به هر جنایتی آوردند.استاد روشاد دکتر جمشید صداقت کیش از معدود مورخان پژوهشگر ایرانی است که سال‌ها در این باره تحقیق کرد و افزون بر کاوش در اسناد و عکس‌ها و نوشته‌هایی که از این موضوع یافت به تحقیقات میدانی هم پرداخت



► یکی از مقامات انگلیسی سوار بر تخت‌روان، بر دوش افراد محلی!

و روستاهایی را که آماج گلوله‌باران توپخانه نیروهای انگلیسی موسوم به پلیس جنوب قرار گرفته بودند از نزدیک دید و عکس‌هایی از آن امکان تهیه کرد و با سالمندان آن مناطق گفت‌وگو کرد و خاطر‌هایی را که از آن روزگاران می‌گفتند یادداشت نمود و چنانچه از زمین‌شناسان و عکس‌ها و نوشته‌هایی که حاصل فریب ۳۳سال تحقیق و تلاش آن متنبع فقید است نتاخ می‌دهد که سرکوبگری انگلیسی‌ها علیه مردم جنوب ایران نه به سبب مدعای دروغین مبارزه با راهزنان و اشراک در حد حقیقت برای سرکوب مردمانی بود که به‌رغم دولت مرکزی ضعیف و ناکارآمد وقت ایران، سلطه اجانب را بر نمی‌تافته و نمی‌خواست‌ه‌اند که سرزمین محبوبشان عرصه جولان‌دهی بیگانگان باشد. با خواندن این کتاب نیز ادعای دیگر انگلیسی‌ها هم نقش بر آب می‌گردد که می‌گویند تاخت و تازهایشان در جنوب ایران برای مقابله با مأموران دولت وقت آلمان بوده است. آلمان در جنگ جهانی اول طرف نزاع و کارزار دولت انگلیس به حساب می‌آمد و می‌ترید آلمانیا مأموران آنی از جمله واسموس را برای فعالیت بر ضد انگلیسی‌ها به ایران فرستاده بودند و مردم ایران نیز که بیزار از دو قدرت روس و انگلیس و ناامید از دولت و حکومت وقت بودند، در جست‌وجوی هر راه و هر وسیله‌ای برای مبارزه با هر دو قدرت اشغالگر، با دشمن آنان، یعنی آلمان، خوش‌رفتاری می‌کردند و از برخی کمک‌های مأموران آلمانی بر ضد انگلیسی‌ها بهره می‌بردند اما سربلندتر از آن بودند که تابع آلمانی‌ها باشند و مقدرات امنیت ملی و منافع ملی خویش را به نظر و خواسته آلمانی‌ها واگذارند. هر چند که انگلیسی‌ها برای فریفتن افکار عمومی دنیای آن روز مدعی بودند که عشایر و آزادیخواهان فارس از آلمان‌ها حرف‌شنوی دارند و سرکوب آنان سرکوب آلمان‌هاست، ادعای نیرنگ‌الودی که بسیار بر سر آن تبلیغ کردند و از آن دستمایه‌ای برای تاراج و قتل ایرانیان ساختند.

مرحوم جمشید صداقت کیش، پیشنهاد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی را در باره نگارش کتاب جامعی در باب پلیس جنوب، با وجود کمهولت سن و بیماری با روی باز پذیرفت و فوراً دست به کار شد.وی دغدغه‌های ۳۵ ساله خویش در موضوع پلیس جنوب را با حمایت و تشویق مؤسسه به بار نشاند ولی متأسفانه در هنگام تدوین اثر، استاد به دیار باقی شافت و فقط متن تدوین اولیه اثر تحویل مؤسسه گردید.»

■ سارا شجاعی

یکی از سرفصل‌های بررسی کارنامه پهلوی‌ها، به خصوص در واپسین فصل از حضور آنان در ایران، میزان نقل و انتقالات مالی آنان از کشور است. این امر هنگامی اهمیت مضاعف می‌یابد که آنان سعی کرده‌اند در این باره پنهانکاری در پیش گیرند و ارقام مجعول و غیرواقعی اعلام کنند! مقالی بآمده قصد دارد با استناد به برخی روایت‌ها و خاطره‌ها از همین تبار، شنماعی از حقیقت را ترسیم کند. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **خاندانی که در آغاز «آه» در بساط نداشت!**

طی سال‌های اخیر سندهایی از مراکز اسنادی امریکا و انگلیس منتشر شده است که نشان می‌دهد رضاشاه، مردی که روزگاری هیچ نداشت، طی ۱۶ سال حکومت‌رانی به «ثروت افسانه‌ای» دست یافت. در شهریور ۱۳۲۰ که متفقین مقام شاهی را از رضا پهلوی گرفتند، وی «ثروتمندترین فرد آسیا» و حتی بر اساس برخی منابع اسنادی «ثروتمندترین مرد جهان» بود. براساس این اسناد، رضاشان حدود ۵۰۰میلیون دلار در بانک‌های خارج پول داشته است که به مبلغ امروز، چیزی در حدود ۲۰ میلیارد تا ۲۵ میلیارد دلار است! پول و ثروت رضاشاه در بانک‌های لندن سپرده شده بود. این ثروت بنام‌گرم در دولت بریتانیا توقیف کرد و هیچ‌گاه نیز معلوم نشد که بر سر آن چه آمد و دولت بریتانیا نیز قصد نندارد درباره این راز روشننگری کند!نیویورک تایمز در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۱م، در گزارشی می‌آورد: «در حالی که دولت ایران تحقیق درباره ثروت شاه مستعفی را شروع کرده است، او در محل اقامتش در اصفهان در حبس خانگی است. سفارت بریتانیا می‌گوید که یک جناح جمهوریخواه در مجلس ایران خواستار محاکمه شاه سابق شده است.»

■ **جواهرات جاسازی شده در چمدان‌ها!**

همانگونه‌که در دیپاچه اشارت رفت، با توجه به مخفی‌کاری خاندان پهلوی در باب میزان ثروت شاه، باید در این باره به پاره‌ای از اعترافات وابستگان به خاندان پهلوی استناد شود. اردشیر زاهدی در کتاب «۲۵ سال در کنار پادشاه» می‌نویسد: «تقریباً ۱۵ روز قبل از رفتن (آیتالله) خمینی به ایران آقای پاکروان رئیس اسبق سلاوک به من اطلاع داد که شاه می‌خواهد مملکت را ترک کند. او با اصرار از من می‌خواست تا شاه را تشویق به ماندن در ایران کنم و می‌گفت اگر



تخمینی از میزان جواهرات و اعتبارات منتقل شده از ایران توسط پهلوی‌ها

مبادا جبه‌ای از مرواریدها یازمردی از آویختنی‌ها کم شود!

شاه برود ارتش ماجرای ۲۸ مرداد ۳۲ ارداد ۳۲ تکرار خواهد کرد. من این مطلب را به شاه گفتم و او گفت: ارتش! ارتش ممکن نیست به من خیانت کند!بعد که در خارج شنید قرباغی اعلامیه بی‌طرفی ارتش را امضا کرده است، فوق‌العاده عصبانی شد و تا مدتی قرباغی را فحش می‌داد.»^(۱)

آنچه با استناد به واگویی‌های اردشیر زاهدی به دست می‌آید، این است که محمدرضا پهلوی هنگامی که رو به لوز‌دوربین علت سفر را احساس خستگی عنوان می‌کند، دور از واقعیت نیست و او قصد جدی برای خروج دائمی از ایران نداشته است. در حقیقت سرکسویی برای شاه با عنوان کودتا باقیمانده بود و او به پشتوانه تجربه کودتای برکناری مصدق، هنوز آماده بازگشت به تاج و تخت پادشاهی بر مردم ایران را در سر داشت. اما آنچه اکنون بنا بر پرداخت آن است، این شفقت است که همراه کاروان خروج و تحت نظارت پول‌دبیا، چندین چمدان جواهرات در هواپیمای اختصاصی جاسازی می‌شود و بعد از سال‌ها احمدعلی در دربار زیسته و امین شاه محسوب می‌شده بای می‌کند به جواهرات خارج شده را «خانم دبیا و آقای شهبازی در صندوق بانک‌های سوئیس گذاشتند.»^(۲) خروج این جواهرات در حالی که شاه امید بازگشت به ایران داشته است، خود بیانگر اوج مال‌دوستی و پهل‌محوری این خاندان است. شاید با این تصور که مبادا در جریان همان درگیری‌ها و کودتای محتمل قطعه‌ای از الماس‌ها یا جیبه‌ای از مرواریدها یا زمردی از آویختنی‌ها کم شود!

عباس‌ملایی، مورخ ایرانی اسکن امریکا می‌نویسد: «از صبح ۱۶ ژانویه (۲۶ دی) ضرب زندگی در دربار تندتر شده بود. همه چیز انگار در حال تعلیق بود. بیل‌ها را پوشانده و بسیاری از نقاشی‌ها را از دیوار پایین آورده بودند. اینجا و آنجا جعبه‌هایی دیده می‌شد. سفر شاه و ملکه قرب‌الوقوع به نظر می‌رسید. دو روز قبل از سفر، ۱۴ ژانویه (۲۴ دی) ۱۴ بسته بزرگ، پر از متعلقات شاه و خاندان سلطنتی، به فرودگاه برده شده بود. اندازه این ۱۴ بسته در حدی بود که عملاً یکی از دو هواپیمایی را که قرار بود شاه و همراهانش را به خارج ببرد، پر می‌کرد. چند روز قبل، هواپیمای اختصاصی کوچکی، ایلسی، یکی از خدمتکاران معتمد شاه را به ژنور برده بود. ایلسی اوراق بهادر و دیگر اسناد ارزشمند شاه را به همراه خود به سوئیس برد. چند و چون این پرواز یکسره محرمانه نگه داشته شد. محتویات آنچه ایلسی به سوئیس برد نیز روشن نیست.»^(۳)



۱۳۴۶.محمدرضا پهلوی در حال تاجگذاری در کاخ گلستان

اردشیر زاهدی درباره میزان ثروتی که شاه، ارزی از ایران خارج نمود، چنین نوشته است: «ادستان تهران در زمان شریف امامی، فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست، شخص اعلیحضرت تا آن زمان ۳۱میلیارد دلار از کشور خارج کرده بود»

شاه سابق را در ردیف چند اثر ثروتمند جهان قرار داده است.^(۴)

■ **خروج دارایی‌های کشور به صورت ارز!**

خروج منابع مالی به شکل ارز، نوع دیگری از انتقال ثروت‌های ملی ایران به خارج از کشور بود و این نوع انتقال منابع، برخلاف دیگر دست‌اندازی‌های خاندان سلطنتی، محدود به ایام قبل از انقلاب سال ۵۷ نمی‌شد. روزنامه نیویورک تایمز در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۷۹، با استناد به گفته منابع بانکی جهانی نوشت:مبلیغی بین ۴ تا ۲۴میلیارد دلار تنها در طول این دو سال آخر (۱۳۵۶ و ۱۳۵۷) از سوی خانواده سلطنتی ایران به امریکا منتقل شده است. در همین رابطه در سال ۱۳۹۱ روزنامه

«فایننشال تایمز» نیز میزان دارایی‌های خارج شده توسط محمدرضا پهلوی را بدین شرح اعلام کرد: «محمدرضا پهلوی، شاه برکنار شده ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده است.» در واکنش به این گزارش، رابرت. اف. آرماتو مشاور آمریکایی محمدرضا پهلوی پیش از خروج وی از ایران، در یک جوابیه نوشته است: «در دوره‌ای که شاه از ایران خارج شد کل درآمد ملی ایران به ۱۲۰ میلیارد دلار نمی‌رسید و خارج کردن ۳۵ میلیارد دلار پول از یک چنین سیستمی امکان نداشت.» اما حقیقت این است که این ثروت هرگز به شکل یکباره از ایران خارج نشده است تا حفره خروج ۳۵ میلیارد دلار پول، همانطور که در رسانه‌ها را به خود جلب کند. همانطور که در ابتدای متن مستند شد، به شکل سالانه و در ارقام مختلف جهان خریداری شده بود. روزنامه نیویورک تایمز در تحقیقاتی که در سال ۱۳۵۶ منتشر شد، می‌نویسد: «خانواده پهلوی در ۱۷ بانک و شرکت بیمه، ۲۵ شرکت و کارخانه فلزکاری، هشت شرکت معدنی، ۱۰ شرکت سازنده مصالح ساختمانی، ۴۳ شرکت تولیدکننده مواد غذایی و ۲۶ شرکت تجاری دیگر سهم دارد.»^(۵) این همه، هیچ کدام به ایران ارزاز کشور باشند و املاک و سهام خاندان پهلوی در خارج از کشور در آن محاسبه نشده است.»

■ **اعتراف اردشیر زاهدی به خروج ارز از ایران توسط پهلوی دوم**

اردشیر زاهدی درباره میزان ثروتی که شاه، ارزی از ایران خارج نمود، چنین نوشته است: «ادستان تهران در زمان شریف امامی، فهرست دقیقی از افرادی که پول‌هایی را به شکل ارز خارج کرده بودند، استخراج کرد. در میان این فهرست، شخص اعلیحضرت تا آن زمان ۳۱میلیارد دلار از کشور فقط با ثروت خانواده هیرسان سعودی و خانواده کویتی الصباح قابل مقایسه است. واشنگتن پست در گزارشی که بخش‌هایی از آن در روزنامه کیهان مورخ ۲۸ دی ۱۳۵۷ منتشر شده است، برآوردی ثروت شاه را در سال ۱۳۵۷، حدود ۲۰ میلیارد دلار تخمین می‌زند. این روزنامه همچنین می‌نویسد: «شائین کسب و کار تجارتی خانواده پهلوی، بنیاد پهلوی است که در ظاهر یک بنیاد خیریه و در عمل، یک صندوق سرمایه‌گذاری است. این بنیاد از طریق مشارکت در سرمایه‌گذاری در خارج نیز در چندین بانک و پروژه صنعتی سهم است.»^(۶)

کرونیکل اینکوار می‌نویسد: «شاه سابق ایران به طور سیستماتیک در طول ۳۷سال سلطنت همه ساله بیش از یک میلیارد دلار از کشور خارج و در بانک‌های سوئیس و امریکا ذخیره می‌کرد. شاهد این خروج میلیاردی سالانه می‌تواند گزارش واشنگتن پست در سال ۵۷ باشد که می‌نویسد: هر سال تفاوتی حدود ۲ میلیارد دلار در درآمد صادرات نفت بر حسب گزارش شرکت ملی نفت ایران و در آمدی که بانک مرکزی ایران در درآمدهای ارزی خود گزارش می‌دهد وجود دارد.»^(۷) این تنها بخشی از اموال به‌یغما برده خاندان سلطنتی است که بر اساس آن و به نقل از فورچون که ابر ثروتمندان جهان را رصد می‌کند، بازماندگان



۴۰هفته. اردشیر پهلوی در کنار سربلیم خویباد در یک مهمانی

روزنامه جوان | شماره ۶۰۹۴

پهلوی نیز همچون پدر و خانواده‌اش زمین‌هایی را تصاحب کرده بود که یا متعلق به مردم و رعایا بود یا ملکی بود که بدون پرداخت وجه آنها از دولت گرفته بود. سند شماره ۹:اهدای ۱۵ هکتار زمین به شمس توسط دربار از جمله زمین‌هایی است که در اختیار شمس قرار گرفت؛ روستایی به نام «شور قشلاق» که بعدها به مهرشهر تغییر نام داده بود. شمس تا قبل از تقسیم ارضی در سال ۳۰۴۱هزار هکتار از اراضی مهرشهر را در تملک خود داشت. پس از اصلاحات ارضی یک سوم آن را به روستاییان فروخت و مابقی که مرغوب‌ترین زمین‌های آن ناحیه نیز به حساب می‌آمدند در تملک خود نگاه داشت و در قسمتی از آن کاخ معروف خود به نام مروارید را با بیش از ۱۱۰ هکتار زیربناحداث کرد و بقیه زمین را نیز به تدریج به فروش رساند. سود حاصل از این خرید و فروش بسیار بالا بود به طوری که تنها در سال ۱۳۵۰، ۸۰۰میلیون تومان عاید شمس شد. شمس همچنین با اعمال نفوذ مسیر بزرگراه تهران- کرج منحرف کرد تا از وسط املاکش بگذرد تا بدین شکل بتواند زمین‌های خود را به بهایی چند برابر نرخ معمول به خریداران سرشناس بفروشد. اینگونه فعالیت‌های شمس پهلوی باعث اعتراض شدید مردم شد. به طوری که سلاواک گزارش داد: «این عمل به قدری در بین خریداران زمین و سایرین که از این موضوع با اطلاع می‌باشند عکس‌العمل بدی ایجاد نموده که حد و حساب ندارد و باعث سلب ایمان و اعتماد مردم از اعضای خاندان سلطنتی شده است و حتی در محافل به عنوان کلاهبرداری از این معامله یاد می‌شود.»^(۸)

شرف، خواهر همزاد شاه نیز از درگیری در روند فساد مالی دربار مستثنی نبود. یکی از روش‌های کسب درآمد اشرف این بود که در مقابل دریافت پروانه تأسیس مؤسسات تجاری و اقتصادی، درصدی از سهام مؤسسه به رایگان در اختیارش قرار می‌گرفت. گاهی اشرف در مقابل اخذ مجوز فعالیت تا ۱۰ درصد سهام کارخانجات را دریافت می‌کرد. به عنوان نمونه شرکت سیمان خوزستان با فعالیت تا ۱۰ درصد سهام کارخانجات را دریافت واگذار کند و مدیرعامل شرکت موظف بود هر ماه سود سهام را تبدیل به ارز و برای فرزندان و همسر اشرف به پاریس ارسال کند. اشرف حتی مقداری از سهام کاغذ پارس را نیز به همین شیوه تصاحب کرد و اگاهی سازمان‌های دولتی را وادار می‌کرد خارج از مقررات مناقصه با یک شرکت خارجی قرارداد ببندند و خود نیز مبالغ هنگفتی می‌گرفت. در مورد دریافت رشوه‌های کلان به وسیله اشرف، در کتاب خاطرات فریدون هویدا آمده است: «لااحتراف اشرف به وسیله پسر بزرگش توانست است کمیسیون کلانی به خاطر عقد قرار داد مقاطعه‌کاری با چند کنسرسیوم بین‌المللی، فروش‌های کمیانی فرانسوی داسو به ایران، پروژه نیروگاه حرارتی ساخت کمپانی بسرائون باوری سوئیس و مقاطعه تأسیسات بندر چابهار توسط کمپانی براون اوردت دریافت کند.»^(۹) هوموهای دیگر از سواستفاده‌های مالی اشرف مربوط به قطعه‌زمینی در شمال تهران بود که از سوی وزیر کشاورزی به بنیاد پهلوی واگذار شد. بنیاد پهلوی نیز این زمین را با قیمت ارزان در اختیار اشرف قرار داد. اشرف یک بار شرف‌ت ساختنی به نام مهستان تأسیس و با یک شرکت ایتالیایی قرار داد منعقد کرد تا ۳هزار مسکن لوکس بسازد. قبل از اینکه کار ساختمانی شروع شود، آن را پیش‌فروش و سپس کل شرکت را واگذار کرد و از این راه سود کلانی به جیب زد.^(۱۰) در پایان لازم است ذکر شود، هر کجام از خاندان پهلوی برده شد، اشرف و شمس پهلوی نیز در زمره آن خاندان به فساد مالی مربوطه دست زده‌اند.

پی‌نوشت‌ها:

۱- زاهدی، اردشیر، ۲۵ سال در کنار پادشاه، به کوشش: ابوالفضل آتابای، تهران، عطایی، ۱۳۸۱
۲- https://www.bultannews.com/fa/news/1۳۳۹/news-ثروت-واقعی-شاه-هنگام-خروج-از-ایران-چقدر-سود
۳- عباس‌ملایی، نگاهی به شاه، تورنتو: پرشین سپرکل، ۱۳۹۲، ص ۵۰۹
۴- گزارش نیویورک تایمز منتشر شده در کیهان ۳همن ۱۳۵۷
۵- واشنگتن پست مورخ ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹
۶- همان
۷- https://fortune.com/2۰۱۸/۰۷/۲۰-los-angeles-the-mountain-real-estate-به نقل از سایت اقتصاد برتر

۸- زاهدی، اردشیر، ۲۵ سال در کنار پادشاه، به کوشش: ابوالفضل آتابای، تهران، عطایی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۳

۹- فریده دبیا، دخترم فرح، ترجمه الهه رئیس فیروز، تهران: به آفرین، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱، به نقل از http://www.irdc.ir/fa/news/۶۶۱

بازخوانی خسادهای شمس- پهلوی- اسناد
۱۰- شهلا بخنباری، مفاسد خاندان پهلوی، ص ۴۶۰. به نقل از سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۱- زنان دربار، به روایت اسناد سلاواک (کتاب چهارم: شمس پهلوی)، ص ۱۸. به نقل از http://www.irdc.ir/fa/news/۶۶۱/بازخوانی-فسادهای-شمس-پهلوی-اسناد

۱۲- فریدون هویدا، سقوط شاه، ترجمه ج.ا. مهران، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۵، به نقل از: http://www.irdc.ir/fa/news/1۹۶/

فسادهای مالی- اشرف- پهلوی

۱۳- http://www.irdc.ir/fa/news/۱۹۶

فسادهای مالی- اشرف- پهلوی

فسادهای مالی- اشرف- پهلوی